

## بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم

سیده سعیده میرحق جو لنگرودی\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۴

فاطمه علی نژاد چمازکتی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۵

### چکیده

این پژوهش کوشیده است با روش توصیفی و تحلیلی و به مدد قرآن به عنوان نخستین و مهم‌ترین منبع در این حوزه به بررسی و تبیین درباره اهداف بیداری اسلامی بپردازد. نتیجه پژوهش دستیابی به یک هدف غایی، یعنی قرب الهی و با استمداد از آیات وحی الهی برای استحکام دولت اسلامی، ثبات و بقای نظام اسلامی و ایجاد نظام عادلانه اسلامی است که امت مسلمان باید آن‌ها را تحقق بخشد و آثار شرک در تمام این جنبه‌ها را بزداید و روح توحیدجویی و قرب به خدا را در تمام ارکان سیاسی و کارگزاران نظام، قانونمند و اجرایی سازد. شناخت حق از باطل نخستین جنبش و حرکت در بیداری اسلامی است که تنها وسیله شناسایی آن همان قرآن و عترت است که میزان است و ثقل اکبر و ثقل اصغر نامیده می‌شود. بیداری اسلامی هدفش حرکت با موازین اسلامی است؛ موازینی که قوانینش را قرآن و عترت مهیا می‌سازد. هدف غایی و مطلوب بیداری اسلامی در نظر قرآن، رسیدن به قرب الهی و انسان کامل شدن است. لازمه این کار نیز تکوین نظامی است که در آن، مکتب الوهیت و ایده توحید تحقق یابد و انسان در آن نظام بتواند به تکامل برسد؛ از بند دنیا و نقایص خود خارج شود و زمینه برای حیات حقیقی و مستمر او ذیل ایده توحید فراهم شود. پس برای رسیدن به این منظور اهداف بلند بیداری اسلامی در قرآن را باید جست‌وجو کرد تا هدف و مقصد نهایی مشخص گردد.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، فطرت انسانی، اندیشه سیاسی، انسان کامل، توحید.

mirhaghjoo@isc.gov.ir

alinezhad@isc.gov.ir

\* عضو هیأت علمی مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری.

\*\* عضو هیأت علمی مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری.

نویسنده مسئول: سیده سعیده میرحق جو لنگرودی

## مقدمه

بیداری اسلامی به سان درختی پاک، ریشه‌ای استوار یافته است و شاخسار آن همچنان برافراشته‌تر می‌شود و هر آن ثمر می‌دهد. بیداری اسلامی، یکی پس از دیگری کشورهای اسلامی تحت استبداد داخلی و سلطه ابرقدرت‌ها را درنوردیده و امید است این حرکت اسلام خواهانه و آزادی بخش نه‌تنها در تمام سرزمین‌های اسلامی بلکه به اقصى نقاط جهان پای گستراند و تمام مستضعفان را از یوغ زورمداران و صاحبان زر رهایی بخشد؛ اما این بیداری زمانی بر پایه‌های آهنینی استوار خواهد بود و امید گذرکردن از آسیب‌ها و دام‌های فراوان برایش متصور است که بر اساس اهداف راستین، آغاز و پیش رود.

تبیین اهداف بیداری اسلامی از دیدگاه اسلام، به ویژه با تکیه بر قرآن می‌تواند مقدمه‌ای برای حضور فعال و مدبرانه و هدفمند امت اسلامی در عرصه قدرت و سیاست داخلی و بین‌المللی باشد. بنابراین بررسی دقیق مباحث مربوط به هدف، باید در صدر مباحث قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌کوشد اهداف بیداری اسلامی از دیدگاه قرآن کریم را بررسی، تبیین و به سامان رساند. بر این اساس، کشف و شناخت دقیق این اهداف و تبیین آن‌ها از ضرورت‌های اساسی پژوهش است. این تحقیق از نوع پیمایشی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد؛ بدین گونه که دیدگاه‌های قرآن در خصوص اهداف بیداری اسلامی به مدد تفاسیر مهم و سایر منابع مهم و مورد نیاز، توصیف و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

## بیداری اسلامی و قرآن کریم

دانشمندان جهان، ظهور اسلام را که با نزول آیات مبارکه قرآن کریم همراه بوده است، بزرگ‌ترین پدیده تاریخی و پویاترین عامل بیداری در تاریخ بشر می‌دانند. علاوه بر آن یکی از نام‌های مبارک قرآن کریم نیز ذکر (بیداری) می‌باشد: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر / ۹). بی‌تردید این انگاره به دور از واقعیت نیست، زیرا بزرگی و پویایی یک حادثه به پیام‌ها، برنامه‌ها، پیامدها و تحولاتی است که آن حادثه ایجاد می‌کند. پیام‌ها و برنامه‌های اسلام در قانون اساسی آن، یعنی قرآن کریم، تدوین و تنظیم گردیده

است، در عظمت و بزرگی آن همین بس که از زمان نزول، تا کنون میدان‌دار علوم انسانی و الهی بوده و با شعار ﴿وَلِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾ (بقره / ۲۳) علی‌رغم تمام پیشرفت‌های که در علوم طبیعی انجام شده است، بشریت به آن درجه از علم و دانایی نرسیده و نخواهد رسید که بتواند سوره و حتی آیه‌ای مثل آیه قرآن را بیافریند: ﴿لَنْ يَجْتَمِعَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِهَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِهِ مِثْلَهُ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (اسراء / ۸۸).

همین طور برنامه‌هایی که قرآن برای سعادت بشری به ارمغان آورده است نیز وضعیت انحصاری خود را حفظ کرده است. برنامه که علی‌رغم ثبات و دوام، از اتقان، استدلال، جامعیت و کمال لازم نیز برخوردار باشد. در جامعیت، کمال، اتقان و احکام قرآن کریم همین بس که از اول تا آخر این کتاب که بیش از شش هزار و ششصد آیه دارد، کوچک‌ترین اختلاف، تناقض و تضادی در آن نمی‌توان یافت: ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء / ۸۲).

بر خلاف برنامه‌ها و قوانین وضعی بشر که حتی در مدت محدود نتوانسته دوام و ثبات خود را حفظ کند، از این رو نمی‌تواند سعادت ابدی بشر را به ارمغان آورد. قرآن کریم با نزول خویش، جامعه عربی را متحول و متکامل ساخت، و با ثبات، دوام، پویایی و حفظ وضعیت انحصاری خویش افق‌های نوینی علمی، فرهنگی و روابط اجتماعی فرا روی جهان گشود.

پیام‌ها و پیامدهای قرآن کریم نه در زمان نزول و نه در مکان نزول محصور گردیده، جامعه عربی را نقطه آغاز بیداری‌های قرآنی-اسلامی دانست، موج‌های آن تا مرزهای جغرافیایی و ایدئولوژیکی بسیاری از امپراتوری‌های بزرگ و شکست‌ناپذیر امتداد یافت، به گونه‌ای که امروز-۱۴۰۰ سال بعد از نزول قرآن و اسلام- در شرق و غرب عالم، شعار «لا إله إلا الله» طنین انداز است و نیز در اکثر کشورهای جهان، مسلمان وجود داشته، که با اتکاء به آموزه‌های اسلامی، مراسم و شعائر دینی خود را انجام می‌دهند. از این رو اگر قرآن کریم را کتاب بیداری بدانیم سخنی به گزاف نیست.

قرآن به مسأله اعتصام به حبل الله به عنوان عامل وحدت و بازدارنده از تفرقه اشاره می‌کند؛ زیرا تفرقه چیزی جز فروپاشی جامعه و اتحاد انسانی به همراه ندارد. جامعه‌ای

که بر محور هدف واحد و روش واحد برای دستیابی به هدف خاص شکل می‌گیرد، با تداوم اتحاد و جلوگیری از تفرقه به آن معنا و مفهوم واقعی می‌بخشد.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۳)

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دل‌هایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. اینگونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید هدایت شوید»

وضعیت جامعه جاهلی، چنانکه قرآن گزارش می‌کند، بسیار آشفته بود و به هیچ وجه علایم و نشانه‌های جامعه به معنای واقعی در آن نمودار نبود. اما خداوند با روش و آموزه‌های شناختی و دستوری و یاری پیامبر(ص) به عنوان اسوه و الگو، جامعه‌ای را در مدینه پی‌نهاد که شاهد و نمونه‌ای کوچک برای ساخت جوامع بزرگ‌تر و حتی جهانی است. در این آیه خطاب نخست به مؤمنان است؛ یعنی کسانی که به شناخت درست دست یافته‌اند و بر پایه باورهای خویش عمل می‌کنند. اکنون این خطر وجود دارد که جامعه دوباره دچار تشتت و تفرقه شود و برخی آن را به سوی جامعه‌ای متفرق و پراکنده بکشانند.

بنابراین قرآن با یادآوری وضعیت پیشین جامعه به امت مسلمان هشدارباش داده و از خطری که آنان را تهدید می‌کند، دورباش می‌دهد و به آنان می‌فهماند که اگر به عوامل و علت اصلی وحدت جامعه و توفیقات آن توجه نشود، ممکن است جامعه دوباره با بحران مواجه شود.

در حقیقت «بیداری اسلامی» به مفهوم «احیاگری اسلامی» است که با آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی زنده می‌شود. «احیاگری دینی» البته غیر از «اصلاح دین» از نوع غربی است که آنجا دین، دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد و جامعه، دینی نمی‌شود بلکه دین را با زمانه تطبیق می‌دهند اما احیاگری

اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است و در نتیجه عملاً می‌بایست غبار غربت از سیمای دین زدوده شود و دین به عرصه حیات آدمی بیاید.

آیات دیگری نیز در قرآن آمده که بر بیداری دلالت دارند؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (صف / ۶): «جاوید و پر برکت است، خداوندی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد، تا تمام اهل جهان را انداز کند. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ (آل عمران / ۱۶۴): «ما تو را جز برای عموم مردم به عنوان بشارت و انداز نفرستادیم». با توجه به وسعت معنای «عالمین» و «ناس» در آیات مذکور دلالت بر آخر بودن و خاتم بودن پیامبر گرامی (ص) می‌کند.

﴿وَإِذْ أَوْحَىٰ إِلَىٰ هَٰذَا الْقُرْآنِ لِأَنَّذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغْ﴾ (انعام / ۹۰): «و این قرآن به من وحی شده است، تا با آن شما و هر که را [که پیام آن] به او برسد بیم دهم». ضمیر «کُم» برای مخاطبان است و عبارت «من بلغ» غایبان تا قیامت را شامل است. خاتمیت و آخرین پیامبر بودن حضرت محمد (ص) ﴿إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾: «این (رسالت) چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست» (اعراف / ۱۵۸)؛ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾: «بگو: ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم» (توبه / ۳۳)؛ ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾: «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند» (قلم / ۵۲) ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾: «در حالی که این قرآن جز مایه بیداری برای جهانیان نیست» (فصلت / ۴۲)؛ ﴿وَإِنَّ لِكِتَابِ عَزِيزٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾: «این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی‌آید. چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است» (فصلت / ۴۲).

با دقت در این به خوبی می‌توان فهمید که دین اسلام دین ابدی است، قرآن کتاب الهی برای هدایت بشر تا روز قیامت است و همیشه اعتبار و ارزش خود را حفظ می‌کند و به ویژه در آیه چهلم از سوره احزاب با صراحت تمام آمده است که پیامبر اسلام (ص) خاتم پیامبران است. واژه بیداری اسلامی، ترکیبی آشناست و از نظر لفظی نیازی به شرح و بسط ندارد. در اصطلاح قرآنی، بیداری امت اسلامی را در آینه همان دعوت قرآن کریم

به «قیام» و «قوم» می‌توان دید. قرآن کریم، فراتر از چنین دعوتی، قیام ناس را فلسفه بعثت پیامبران برشمرده است (خوش منش، ۱۳۸۸: ۲۱):

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/

(۲۵)

دعوت به بیداری، مقابله‌ای بود که با هجوم استعمار به سرزمین‌های اسلامی آغاز گردید. اگر این هجوم استعماری نیز صورت نمی‌گرفت بیداری می‌بایست به گونه‌ای برای اداره این سرزمین‌های بزرگ اتفاق بیفتد.

با وجود تفاوت دیدگاه‌ها درباره بیداری اسلامی که در دهه‌های گذشته به وجود آمده است، شاخص‌های اساسی بیداری اسلامی از دیدگاه سید قطب عبارت‌اند از: رجوع به قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) و سیره بزرگان اسلام. احساس تأسف نسبت به انحطاط جهان اسلام و تلاش در جهت جبران گذشته‌ها. ایفای نقش جدی اندیشمندان مسلمان در فراهم کردن زمینه‌های بیداری تأثیر موج بیداری بر روشنفکران و توده‌های عظیم مردم.

گسترش موج بیداری در قلمرو جغرافیایی حضور مسلمانان. احساس تقابل و تعارض با نظام‌های سیاسی متأثر از غرب و شرق. احساس مظلومیت ناشی از سلطه استعمار بر مقدرات جهان اسلام. تمایل به ایفای نقش واقعی‌تر در معادلات جهانی و نیل به جایگاه واقعی خود (قطب، ۱۳۷۴: ۷).

### عوامل بیداری اسلامی در افق اندیشه حضرت امام خمینی(ره)

به واقع می‌توان انقلاب اسلامی را سرآغاز تحولات در منطقه دانست. تحولاتی که با تهاجم مبانی تمدن غرب در پی بازسازی وجهه تمدن بزرگ اسلامی، در ممالک اسلامی بوده است. با نگاهی به حرکت‌های اصلاحی در دنیای اسلام بر این نکته باید تکیه کرد که نقش رهبری در به ثمر نشستن و ادامه آن امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. امروزه دنیا بر این واقف است که نقش رهبری انقلاب اسلامی در پیروزی و ادامه روند رو به تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی، بی‌بدیل می‌باشد.

### مبانی ادبیات بیداری و پایداری حضرت امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره) از جمله رهبران قیام‌های دینی است که با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، سعی در احیای مقاومت در برابر استکبار و استبداد را توأمان درک، برنامه‌ریزی و اجرا نمود. حضرت امام آمد تا ادبیات پایداری اسلام را در مقابل استبداد داخلی و استکبار خارجی که به فراموشی سپرده شده بود، احیاء نماید. وی ادبیاتی پدید آورد که به واسطه آن اسلام احیاء گردید. امام خمینی(ره) با زبان قرآن همه طاغوتیان و هم‌آواز طاغوتیان را نفی و ادبیاتی را ایجاد کرد و توسعه بخشید که به واسطه آن طلسم طاغوتیان شکسته شد. فلذا می‌بینیم که واژه‌های استقامت، پایداری، مقاومت و ایستادگی در لسان و ادبیات امام خمینی(ره) بارها و بارها به کار رفته است. مثلاً در صحیفه امام، واژه استقامت ۴۳ مرتبه، واژه پایداری ۱۶ مرتبه و واژه ایستادگی مجموعاً ۳۳ مرتبه ذکر شده است (میرآقایی، ۱۳۸۳: ۵۱).

### بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، شروع دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته‌ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو وا داشت. ذکر این نکته ضروری است که میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و هر اندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته‌اند، به همان نسبت استقبال از این انقلاب گسترده‌تر بوده است. به طور کلی آنچه که بر همگان روشن و واضح است، این است که انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و با توجه به پیروان و هواخواهانی که پیدا کرد و به عنوان یک نیروی قابل محاسبه توسط دولت‌های خارجی و همچنین دولت‌های منطقه عنوان شده است؛ بدان خاطر که «انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت

شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بود» (اسپوزیتو جان آل، ۱۳۸۲: ۳۷). فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأملاتی عقلانی است که ریشه در مبانی و بنیادهای معرفت دینی ایشان دارد که دو ویژگی بارز آن عبارت‌اند از تلخیص از منابع دینی و سیره رسول‌الله (ص) و اهل بیت علیه السلام و دوم جنبه پاسخگوئی به مسائل عینی جامعه است. مقام معظم رهبری در بُعد فلسفی از جمله فیلسوفان غایت‌گرائی هستند که مفاهیمی همچون سعادت و کمال اخروی، حیات طیبه و هدایت، اساس فلسفه سیاسی ایشان را تشکیل می‌دهند. از نگاه معظم له هیچ مقوله‌ای اگر به موارد مذکور منتهی نشود اصالت ندارد و حتی مباحثی همچون عدالت‌خواهی و مبارزه با استکبار نیز در صورتی مورد تأیید هستند که در مسیر رسیدن به حیات طیبه و علی‌الله باشند (بیانات در جمع بسیجیان استان کرمانشاه: ۱۳۹۰/۷/۲۲). مقام معظم رهبری در تعریف مفهوم سیاست معتقدند که تدبیر (سیاست) با وصف اسلامی صرفاً بر مدار حیات مادی و هدف و انگیزه‌های ظاهری در محدوده انتظار بشر و در عرصه رقابت برای تحصیل قدرت نیست، بلکه سخن از جلب رضایت خدا و ادای تکلیف، تحقق حیات طیبه، نیل به سعادت ابدی و رسیدن به کمال است (مهاجرنیا: ۴۳۶). ایشان در مورد اهمیت بکاربردن واژه‌ها و مفاهیم مناسب و جامع برای توضیح و تحلیل صحیح مسائل و تحولات می‌فرمایند: «یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند (بیانات در جمع بسیجیان استان کرمانشاه: ۱۳۹۰/۷/۲۲). بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مفهومی جدید محسوب نمی‌گردد و ما حصل تحولات اخیر نمی‌باشد، معظم له پیش از این در سخنان خود بارها این واژه را تکرار کرده‌اند. بیداری اسلامی به صورت موجز و مختصر در نگاه مقام معظم رهبری عبارت است از



ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر می‌شود (اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی: ۱۳۹۰/۶/۲۶). در نگاه ایشان سخن از بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است.

### هدف غایی در بیداری اسلامی

هدف غایی در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های او متأثر از آن باشد و حقیقت بی‌نهایت و جامع تمام ارزش‌هاست.

از منظر قرآن، مقصد و هدف تمام نظام هستی خدا است:

﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ (شوری / ۵۳)

«آگاه باشید که همه چیز به سوی خدا بازمی‌گردد»

خداوند در عالم خلقت، نه‌تنها تمام هستی بلکه آفرینش آدمی را هم دارای هدف

برمی‌شمارد:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ (شوری / ۱۱۵)

«آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانیده

نمی‌شوید»

نه‌تنها بیداری اسلامی بلکه تمام حرکت‌های جامعه اسلامی باید به این سو باشد؛ در

غیر این صورت از هدف واقعی باز خواهد ماند. قرآن کریم در آسیب‌شناسی فراموشی

این هدف حیاتی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (حشر / ۱۹)

«و مانند کسانی مباشید که خدای را فراموش کردند و خدا خودشان را

فراموششان ساخت. اینان همان فاسقان‌اند»

خدای متعال [او قرب به او] غایت و هدف است و چون غایت و هدف فراموش شود، انسان از حقیقت خود بیگانه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶-۱۶۵). ریشه و اساس همه سرکشی‌ها و نابسامانی‌ها و تباه‌گری‌ها در اینجاست.

هدف غایی جامعه و نظامی که خدا را فراموش کرده‌اند طبیعت و ماده است. سخن این گروه که از اعتقادشان برمی‌خیزد این است که:

﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ (مؤمنون / ۳۷)

«مسلماً غیر از این زندگی ما چیزی در کار نیست، گروهی از ما می‌میریم و

نسل دیگر جای ما را می‌گیرد»

این دیدگاه ناصحیح به انسان و هستی، آدمی را از رسیدن به اخلاق و انسانیت باز می‌دارد و او فقط سود خود و منافع خویش را پی می‌گیرد. پیام رهبران و مربیان این دیدگاه به جهانیان این است.

خطرناک باش؛ چنان زندگی کن که گویی در حال جنگ هستی. آنکه می‌خواهد آفریننده باشد، نخست باید ویران کننده باشد. باید همه ارزش‌های کهن را در هم شکند. خدایان کهن مرده‌اند. دیگر خدایی در جهان نیست. فقط مرد برتر وجود دارد؛ اما مرد برتر ویران کننده است نه سازنده (هنری، ۱۳۸۲: ۴۰۹ و ۴۱۰).

بیداری اسلامی باید در عمل، کمال جویی و خداخواهی خویش را نشان دهد و این نیازمند آن است تا آدمی صفات الهی را در خود تجلی و ظهور بخشد. به عقیده شهید صدر «هدف از خلافت انسان آن است که بتواند شبیه ارزش‌هایی که در وجود خداوند متجلی است، در وجود خود به عنوان خلیفه خدا، تحقق بخشد؛ یعنی صفات خدا از عدالت، علم، قدرت، رحمتش بر مستضعفان، و انتقامش از جباران و مستکبران، و بخشش بی‌انتهایش، این‌ها همه در رفتار جامعه‌ای که «خلیفة الله» شده و در اهداف آن باید منعکس شود» (صدر، ۱۳۹۹: ۷۵). از این رو، بیداری جویان مسلمان باید شرایط لازم را برای حرکت پیوسته و همیشگی به سوی این هدف مطلق فراهم سازند و مبارزات خود را نیز بر پایه استقرار خلافت الهی بنا نهند.

تأکید قرآن بر خداخواهی و قرب به او از آن روست تا تمام فعالیت‌های حق‌طلبانه و از آن جمله بیداری اسلامی از هرگونه انحرافی در آغاز و در ادامه راه مصون ماند؛ زیرا

خداپرستی از یک جهت یعنی خداگونه زیستن و در مسیر توحید حرکت کردن است. آن که در برابر خداوند حکیم، عادل و مهربان تسلیم می‌شود و بندگی او را می‌پذیرد عالی‌ترین انگیزه‌های انسانی را بر وجود خود حاکم ساخته است. همانطور که می‌دانیم تقوا و تزکیه، نوع دوستی، عدالت خواهی و ایثار و از خود گذشتگی بر اساس خداشناسی عالی‌ترین هدف‌هایی هستند که نه تنها موجبات رشد و کمال انسان را در حیات فردی فراهم می‌سازد، بلکه باعث رشد حیات جمعی نیز می‌شود. آنکه به خدا می‌پیوندد از پلیدی‌ها، بیدادگری‌ها، هوا و هوس یا تمایلات بی‌ارزش و از خودخواهی‌ها خود را می‌رهاند. او تسلیم خدا می‌شود برای اینکه خود را از شر طاغوت‌ها و از نفوذ قدرت‌های اهریمنی آزاد سازد (شریعت‌مداری، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

پس هدف غایی و مطلوب بیداری اسلامی در نظر قرآن، رسیدن به قرب الهی و انسان کامل شدن است. لازمه این کار نیز تکوین نظامی است که در آن، مکتب الوهیت و ایده توحید تحقق یابد و انسان در آن نظام بتواند به تکامل برسد؛ از بند دنیا و نقایص خود خارج شود و زمینه برای حیات حقیقی و مستمر او ذیل ایده توحید فراهم شود.

### نتیجه بحث

دین اسلام بر اساس فطرت انسانی توسط ذات هستی‌بخش به پیامبر اسلام نازل شده است. اصول و ارزش‌هایی که اسلام به تبلیغ و گسترش آن در جوامع بشری پرداخته، همان ارزش‌های منطبق با سرشت انسانی است. حقیقت‌گرایی، گرایش به ارزش‌های اخلاقی و کمال‌جویی، از جمله فطریات انسانی است. سرشت حقیقت‌گرای انسان را به سوی اسلام سوق می‌دهد؛ زیرا اسلام چیزی جز التزام به حقایق نیست. دیگر گرایش‌های فطری نیز انسان را به اصول و ارزش‌های اسلامی همانند عدالت و توحید متمایل می‌سازد. از طرف دیگر، از آنجا که آموزه‌های اسلامی هماهنگ با فطرت انسانی است و امور مبتنی بر فطرت، پایدار هستند. این انتظار می‌رود که این بیداری با وجود موانع فراوان، تا حصول نتیجه کامل ادامه یابد و در نهایت نظام‌هایی بر اساس مطالبات حق‌جویانه مردم که هماهنگ با آموزه‌های اسلامی است شکل گیرد.

## کتابنامه

### قرآن کریم

- اسپوزیتو، جان ال. ۱۳۸۲ش، **انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- چکیده‌ای از اجلاس بین المللی بیداری اسلامی: ۱۳۹۰/۶/۲۶.
- خوش منش، دکتر ابوالفضل. ۱۳۸۸ش، **بیداری و بین الملل اسلامی**، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- شریعتمداری، علی. ۱۳۸۵ش، **اصول و فلسفه تعلیم و تربیت**، تهران: امیرکبیر.
- صدر، سیدمحمدباقر. ۱۳۹۹ق، **خلافة الانسان وشهادة الأنبياء**، بیروت: دار التعارف.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۴ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مهاجرنیا، محسن. ۱۳۸۹ش، **اندیشه‌های سیاسی متفکران اسلامی**، جلد سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هنری، توماس. ۱۳۸۲ش، **بزرگان فلسفه**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.

### سایت‌ها

- مهاجرنیا، محسن. نوآوری و اجتهاد از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، مراجعه به سایت: آذرماه ۱۳۹۰ - <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id>
- میرآقایی، سید جلال. ۱۳۸۳ش، **بیداری اسلامی و مظاهر فرهنگی**، سیاسی و اجتماعی آن، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰ - [farsi.khamenei.ir/audio-index](http://farsi.khamenei.ir/audio-index)
- بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت عید مبعث: ۱۳۷۵/۹/۱۹ - [farsi.khamenei.ir/audio-index](http://farsi.khamenei.ir/audio-index)
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان استان کرمانشاه: ۱۳۹۰/۷/۲۲ - <https://hawzah.net/fa/>